

فقه زندگی

برگرفته‌ای از آرای فقهی امام موسی صدر
به کوشش مهدی پورحسین

۱۳۹۸

فقه زندگی بزرگرفته‌ای از آرای فقهی امام موسی صدر

به کوشش: مهدی پورحسین

گرافیک: احسان عباسی

صفحه آرا: سهیلا کوهنورد

ناظر فنی: سید محمد فروغی

لیتوگراف: نوید چاپ: صبا - صحافی: امیرکبیر

نوبت چاپ: اول - تیراژ: ۱۰۰ نسخه

شابکا: ۶-۶۸-۶۷۶-۶۰۰-۹۷ -ها: ۳۵۰۰۰ ریال

حقوق چاپ و نشر این اثر به مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر محفوظ است.

سازشنامه: پورحسین، مهدی، ۱۳۹۸

عنوان و نام پدیدآور: فقه زندگی: بزرگرفته‌ای از آرای فقهی امام موسی صدر به کوشش مهدی پورحسین.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۸۶ ص.

شابکا: ۶-۶۸-۵۷۶-۶۰۰-۹۷۸ -ها: ۳۵۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: بزرگرفته‌ای از آرای فقهی امام موسی صدر.

موضوع: صدر، موسی، ۱۳۰۷ - دیدگاه درباره فقه

موضوع: Views on Islamic law: -- Sadr, Musa

موضوع: صدر، موسی، ۱۳۰۷ - دیدگاه درباره دین

موضوع: Views on religion: -- Sadr, Musa

موضوع: فقه جعفری -- قرن ۱۴

موضوع: Islamic law, Ja'fari* -- 20th century

موضوع: مجتهدان و علما -- لبنان

موضوع: Lebanon: -- Ulama

رده بندی کنگره ای: DSAY / ۲

رده بندی دیویی: ۹۵۱/۹۲۰۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۰۵۶۹۵

تهران / میدان هفت تیر / بالاتر از مسجد الجواد / کوچه شریعتی / پلاک ۱۰ / واحد ۲

فکس: ۸۸ ۴۹ ۴۱۶۴ (۰۲۱ ۹۸) / تلفن: ۸۸ ۴۹ ۴۱۶۲ - ۳ (۰۲۱ ۹۸)

www.imamsadr.ir / sadr@imamsadr.ir

— فهرست —

۱۹	سخن ناشر
۲۱	مقدمه
۳۷	درآمد
۴۳	فصل اول: کلیات
۷۳	فصل دوم: منابع فقهی
۹۹	فصل سوم: قواعد و اصول فقهی
۱۱۵	فصل چهارم: اصول فقهی

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

حجت الاسلام والمسلمین محمد سروش محلاتی^(۱)

امام موسی صدر در سال ۱۳۳۸ شمسی از قم به لبنان هجرت کرد. این هجرت برکات فراوانی برای جامعه اسلامی، به خصوص مسلمانان و شیعیان لبنان، داشت. افسوس که جامعه اسلامی بعد از یک دوره بیست ساله، توفیق استمرار حضور و فعالیت های ایشان را در لبنان از دست داد و در زمانی که امت اسلامی بیش از هر زمانی به حضور چنین شخصیت های نیاز داشت، نتوانست ادامه این خیرات و برکات را درک کند.

موضوع هجرت امام موسی صدر به لبنان، و در نگاه کلی تر، هجرت عالمان دین مانند هجرت علمای جبل عامل از لبنان به ایران، شایسته تحقیق مستقل و جداگانه ای است. لذا فراموش کنیم که در آن مقطع، از یک سو، حوزه قم در تربیت چنین عالمان فرهیخته ای چه توفیقات بزرگی داشته است، و از سوی دیگر، شخصیت هایی مانند امام شرف الدین از چه دید نافذی در شناخت این فرهیختگان و بهره گیری از آنان برخوردار بوده اند.

۱. این مقدمه متن مکتوب شده سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین محمد سروش محلاتی با عنوان «فقه اندیشی امام موسی صدر» است که در تاریخ ۲۱ آذرماه ۱۳۹۷ در مؤسسه مفتاح کرامت به منظور معرفی این پژوهش و اهمیت آن بیان شده است.

فقاہتی در سکوت

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و خصوصاً در دهه اخیر، کارهای بسیاری برای معرفی شخصیت و اندیشه امام موسی صدر صورت گرفته است؛ هم آثار مکتوب فراوانی به طبع رسیده است و هم همایش‌ها و سمینارها و نشست‌های علمی فراوانی برگزار شده است. اما بررسی اجمالی این فعالیت‌های علمی مرا با این سؤال مواجه کرد که: آیا امام موسی صدر شخصیتی فقهی نبوده است؟ چرا به این جنبه از شخصیت ایشان در این فعالیت‌ها اعتنای کافی دیده نمی‌شود و آن‌گونه که باید - شاید به این موضوع پرداخته نشده است؟

بر این اساس، می‌خواهم به این سؤالات پاسخ دهم:
اولاً، آیا امام موسی صدر شخصیتی فقهی هست؟ آیا با معیارهای شناخته‌شده در حوزه‌های علمیه ما می‌توان او را فقیه و مجتهد بدانیم؟

ثانیاً، اگر پاسخ مثبت است، ایشان چه آرا و نظریاتی در مسائل فقهی داشته است؟

ثالثاً، نظر امام موسی صدر درباره اجرای فقه و شریعت در جامعه چه بوده است؟

در پاسخ به سؤال دوم، در این نظریات ایشان است، به پنج بحث خواهم پرداخت: اول، نگاه کلی امام موسی صدر به فقه؛ دوم، دنیایان، و آراء؛ سوم، ابداعات و ابتکارات؛ چهارم، تحلیل‌های نو در مسائل فقهی؛ پنجم، استدلال‌ها و اجتهادات تازه. و در پاسخ به سؤال سوم درباره اجرای شریعت در جامعه به‌مطابق مسئولیت حکومت، چهار بحث را مطرح می‌کنم: اول، آیا امام موسی صدر به‌طور کلی ملتزم به این مبنا بود که باید به دنبال اجرای شریعت اسلامی و تحقق احکام فقهی در جامعه بود؟ دوم، از نظر ایشان اجرای شریعت در این عصر و زمان امکان دارد؟ سوم، ایشان مسئله ارائه شریعت را مسئله‌ای صرفاً نظری تلقی می‌کرد یا مسئله‌ای نظری- عملی و با استفاده از تجربه و آزمون می‌دانسته است؟ چهارم، از نظر ایشان زمان و مکان چه نقشی در اجرای شریعت دارد؟

شخصیت فقهی امام موسی صدر

در سنت حوزوی دو راه برای شناسایی رتبه فقاہت و اجتهاد و شخصیت علمی افراد وجود دارد: راه اول، استفاده از دیدگاه افراد خبره است؛ راه دوم، بررسی مستقیم آراء و مباحث علمی ارائه‌شده در دروس یا آثار مکتوب استدلالی است. هر دو راه برای شناخت شخصیت علمی امام موسی صدر مفتوح است.

۱. دیدگاه افراد خبره

یکی از شخصیت‌های برجسته‌ای که استناد به اظهارات او موجه است، حضرت آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی است. اظهارات این شخصیت بزرگ به سبب دو ویژگی بسیار باارزش است؛ اول اینکه ایشان از حیث شناخت علمی، نزدیک‌ترین فرد به امام موسی صدر بوده است. دوم اینکه آیت‌الله شبیری زنجانی در امر قضاوت بسیار قوی، ممتاز و منصف است.

ایشان از همان روزهای نخست طلبگی با امام موسی صدر بوده است و این دو بزرگوار در مراحل مختلف درس و بحث حوزوی گام‌به‌گام با یکدیگر بوده‌اند و حتی با هم و در یک جلسه معمم شده‌اند. شاید در حوزة علمیه، هیچ‌کس به اندازه ایشان به امام موسی صدر نزدیک نبوده است. آیت‌الله شبیری درباره امام موسی صدر فرموده است: «آقا موسی صدر اولین هم‌مباحثه من بود. اگر آقا موسی بود وضع علمی من خیلی بهتر از حالا بود.» گاه هم‌مباحثه‌های طلاب در سطحی هستند که موجب رشد و ارتقا نمی‌شوند؛ ولی آقای شبیری که از لحاظ علمی، هوش، دقت نظر و پشتکار فراوان علمی و دینی ذوق‌العاده بوده و هست، اعتقاد دارد که اگر سید موسی صدر بود و به مباحثه با ایشان ادامه می‌داد، وضع علمی ایشان خیلی بهتر از حالا بود. ایشان فرموده است: «بحث با هیچ‌کس به قدر بحث آقا موسی برای من مفید نبود.» از بیان آقای شبیری روشن می‌شود که در میان هم‌مباحثه‌ای‌های ایشان، امام موسی صدر امتیاز و برجستگی خاصی داشته است. ایشان در ادامه فرموده است: «آقا موسی چند امتیاز داشت: بسیار سریع‌الانتقال بود، در استقامت نظر خیلی فوق‌العاده بود، بیان آقا موسی بسیار روشن و بدون ابهام بود، در انصاف درجه اول بود، بسیار باادب بود و هیچ‌گاه تند نمی‌شد، ذكاء (هوش و استعداد) او بر من خیلی تفوق داشت.» با اینکه خود آقای شبیری از افراد ممتاز است، سید موسی صدر را باهوش‌تر از خود معرفی کرده است: «سریع به یک مطلب منتقل می‌شد، در حین مطالعه کشید تا من به آن مطلب منتقل شوم.»^(۱)

درباره سرعت انتقال آقای صدر، این خاطره هم شنیدنی است که روزی ما خود آیت‌الله موسوی اردبیلی فرمود که من در درس مرحوم آیت‌الله داماد شرکت می‌کردم و آقای صدر هم به درس ایشان می‌آمد. گاهی که اشکالی به نظرم می‌رسید و می‌خواستم آن را در ذهنم جمع و جور کنم و شکل و قالبی به آن بدهم و مطرح کنم، می‌دیدم که آقای صدر با سرعت انتقال بالایی که داشت، اشکال را مطرح کرده است.^(۲)

۱. آیت‌الله حاج سید موسی شبیری، جرحه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۷۰۸.

۲. من این مطالب را با این هدف عرض کردم که به طلاب جوان بگویم که انتخاب هم‌مباحثه خوب نقش مهمی در موفقیت علمی انسان دارد؛ همچنان‌که گاهی هم‌مباحثه نامناسب، طلبه مستعد را ناکام می‌کند و همه استعدادهای او را از بین می‌برد. طلبه باید این نکته را مد نظر داشته باشد و در انتخاب هم‌مباحثه خود دقت کند.

آقای شبیری در جای دیگری فرموده است: «جنبه فقاہت آقا موسی خیلی خوب بود.» ایشان در این عبارت به صورت روشن تر به جنبه فقاہت آقای صدر اشاره کرده است. وقتی آقای شبیری کسی را از جنبه فقاہت خیلی خوب بدانند، به این معناست که آن فرد توان بالای اجتهاد و فقاہت دارد: «در موقعی که به نجف رفت، در درس آقای خویی و حکیم و شیخ حسین حلی شرکت کرد. نجفی ها که خیال می کردند در قم طلبه فاضل نیست، وقتی آقاموسی را دیده بودند، نظرشان عوض شده بود. وی مایه آبروی قمی ها شده بود.»^(۱) در آن دوره، هجرت طلبه های قم به نجف امر متعارفی بود. پیش از آقا موسی و پس از ایشان، طلبه های بسیاری به نجف می رفتند و بسیاری از آنها در درس مرحوم آیت الله حکیم و مرحوم آیت الله خویی شرکت می کردند. بسیاری از بزرگان و استادان حوزه علمیه نجف، از طلبه های ایرانی بودند و دوره ای یا بخشی از تحصیلات خود را در حوزه قم گذرانده بودند و بعد به حوزه نجف رفته بودند. برخی از علما و مراجع دوران اخیر مثل مرحوم آیت الله شایع جواد تبریزی و حضرت آیت الله سیستانی، دام ظلّه، هم این گونه بودند؛ یعنی مقداری در حوزه علمیه قم در درس خارج حضرات آیات بروجردی و حجت کوه کمره ای و دیگران شرکت کرده بودند. سپس به نجف رفته بودند. با این حال، کسی که قوت بنیه علمی حوزه قم را به منزله شاخص نشان می داد، آقا سید موسی صدر بود و این نشان می دهد که این بزرگوار در آن مقطع که مشغول فعالیت علمی در حوزه بود، نسبت به اقران خود سرآمد بوده است؛ اقرانی که خود شخصیت های بزرگ علمی بودند.

شخصیت دیگری که دوره ای با امام موسی صدر هم درس و هم بحث بوده است، مرحوم آیت الله موسوی اردبیلی است. وی می گوید: «آقا موسی صدر برجستگی های خاص داشت. درایت، هوش، ذکاوت، سرعت فهم، دقت و تأمل در مسائل علمی، ایشان را در محافل علمی سرآمد همه دوستانش کرده بود. در هر درسی که شرکت می کردند، در آن درس خیلی ممتاز می شد. ایشان در اینجا تا حد اجتهاد درس خواند تا اینکه یکی از تلامذین بسیار خوب حوزه شد.»^(۲) تحصیلات امام صدر تا سال ۱۳۳۸ ادامه پیدا کرد. ایشان حد درجه پنج سال از این مدت را در حوزه نجف بود. او در قم از محضر مرحوم آیت الله محقق داماد هم استفاده می کرد و در میان شاگردان زبده مرحوم محقق داماد قرار داشت. اگر ما افراد شناخته شده آن دوران را مجتهد بدانیم، قهراً امام موسی صدر در مقایسه با آنان و افراد پس از آنها در رتبه بالاتری از اجتهاد و فقاہت قرار می گیرد.

۱. جرعه ای از دریا، ج ۳، ص ۷۲۳.

۲. خاطرات آیت الله موسوی اردبیلی، تدوین علی درازی، ص ۳۵۹.

۲. آثار علمی امام موسی صدر

راه دیگر بررسی شخصیت علمی افراد، مراجعه به آثار علمی آنان است. متأسفانه، تاکنون مباحث تخصصی فقهی امام موسی صدر منتشر نشده است. علاوه بر آنچه تا امروز از او چاپ و منتشر شده است، تقریرات و تألیفات فقهی و اصولی دوره تحصیل در قم و نجف نیز در اختیار ماست.

مطالعه همین نوشته‌ها برای کسی که با مباحث حوزوی آشنا باشد، به‌خوبی شهادت می‌دهد که امام موسی صدر از چه رتبه بالایی علمی برخوردار است. این نوشته‌ها را می‌توان در دو بخش تألیفات عربی و دست‌نویس‌ها تقسیم کرد. تألیفات شامل رساله‌های متعدد فقهی استدلالی است که ایشان به زبان عربی نوشته و عناوین برخی از آن رساله‌ها از این قرار است: «سرقفلی»، «الإسم التجاري» یا همان برند و اسم، «حقوقی که بر این اسم‌ها مترتب می‌شود: «حق الإختراع»، «الشركات التجارية الحديثة». انواع و اقسام شرکت‌های تجاری جدید است که در فقه و حقوق مسبق به سابقه نبوده و الآن این شرکت‌ها انواع و اقسام فراوانی پیدا کرده است. این کتاب مقدمه‌ای هم با نام «الشخصية الحرفية» دارد که بسیار ارزشمند است.

این‌ها عناوین نو و جدیدی است که ایشان در این رساله‌ها بدان‌ها پرداخته است. در فقه استدلالی و در قلمرو مباحث سنتی نیز رساله‌های نوشته‌اند که در میان آن‌ها کتاب المضاربة کامل است و بقیه تکمیل نشده است.

قسمت دوم نوشته‌ها، تقریرات ایشان است. البته، بعضی تقریرات دلیل بر علمیت یا لااقل دلیل کافی بر علمیت کسی تلقی نشود؛ چون گفته می‌شود که تقریرات نقل حرف‌های استاد است. اما اگر استاد محقق باشد و طلبه هم توانسته باشد که مطلب را به دستی درک و ضبط و تقریر کند، از توانایی بالایی او حکایت می‌کند. نباید تقریرات آن زمان را با بعضی از درس‌های متعارف امروزی که نوشتن درس استاد راحت است و یا گاهی خود استاد، درس خود را نوشته است و قبل از درس ارائه می‌کند، مقایسه کرد.

تقریرات ایشان در نجف که شامل صدها صفحه از دروس بزرگان نجف مانند حضرات آیات سید ابوالقاسم خویی و سید عبدالهادی شیرازی است، یک ویژگی مهم دارد که نشان‌دهنده جایگاه علمی ایشان است. آن ویژگی این است که تقریر ایشان، تقریر صرف و مطابق سبک متعارف تقریرنویسی، یعنی بازنویسی مطالب استاد، نیست. این‌گونه نبوده است که استاد املا کند و ایشان همان مطالب را عیناً روی کاغذ بنویسد. تقریرات ایشان شامل مطالب استاد و نقد آن مطالب و بیان دیدگاه‌های خودشان است. این نوع تقریرات را فقط و فقط کسانی می‌توانند بنویسند که از توانایی بالایی برخوردارند. این نوشته‌ها، نشان می‌دهد که او از همان ۲۷-۲۸ سالگی اهل

اظهار نظر جدی بوده است. از باب نمونه بی آنکه به محتوا و مضمون مبحث بپردازیم، شکل و ساختار برخی تقریرات را توضیح می‌دهم.

«کلام فی الشروط و شرائط صحتها» بخشی از کتاب خیرات شیخ انصاری در مکاسب است که موضوع درس خارج مرحوم آیت‌الله خویی در حدود سال ۱۳۳۵ بوده است. امام موسی صدر ابتدا کلام ایشان را نقل کرده است: «قال سيدنا الأستاذ الظاهر أن للشرط معنى واحداً.» عبارت اشاره به این مبحث است که آیا شرط یک معنا دارد یا بیش از یک معنا. در ادامه نوشته است: «هذه خلاصة ما أفاده، دام ظله، فی بیان معنی الشرط» و بعد خود ایشان به این شکل ادامه می‌دهد: «و قال العلامة المحقق الإصفهانی فی حاشيته علی المکاسب.» مرحوم شیخ محمدحسین اصفهانی در حاشیه خود بر مکاسب، تحلیلی درباره شرط دارد. ایشان بعد از طرح مطلب مرحوم اصفهانی، به نقد و بررسی آن می‌پردازد: «لا يخفى أن هذا تحقيق وثيق إلا أن فيه.» و این بحث درباره شرط را ادامه داده است: «به این می‌رسد: «الكلام فی احکام الخيار.» در این بخش درس مرحوم خویی را درباره خیرات سر می‌کشد و سپس می‌نویسد: «هذا ما أفاده الأستاذ؛ أقول.» یعنی بعد از نقل کلام استاد، نقد خود را بر ایشان نوشته است: «اما حديث الإجماع و إن اعتمد عليه سيدنا الأستاذ تبعاً للشيخ والمستند.» در این بخش، اشکالات خود را به کلام مرحوم خویی، از جمله در خصوص اجماعی که ایشان به آن استناد کرده است، مطرح می‌کند. امام صدر درباره اجماع نوشته است که در این مسئله به اجماع نمی‌توان استناد کرد. سپس، به طرح اشکال دیگری می‌پردازد: «و اما ما أفاده فی إبطال التمسك بالنبوی.» درباره روایتی که مرحوم آقای خویی نقل کرده است، اشکالاتی را مطرح می‌کند. در ادامه، نوشته است: «و أما ما أفاده فی الوجه الثاني.» یعنی اشکال دیگری را به نظر مرحوم خویی وارد کرده است و در ادامه می‌نویسد: «و أما ما أفاده فی الأمر الثالث من اقسام الحقوق.» در این قسمت نیز اشکالاتی را به بحث مرحوم خویی وارد می‌کند و بحث را ادامه می‌دهد.

سنخ تقریرات ایشان متفاوت است با آنچه امروزه متعارف است. امروز طلاب، بخنان استاد را بی‌کم‌وکاست و نقدونظر نقل می‌کنند و در برابر کلام و نظر استاد منفعل هستند. لا باید به آن جمله حضرت آیت‌الله شبیری توجه کرد که فرمود وقتی آقا سید موسی به نجف رفت، تصور علما و بزرگان نجف درباره طلاب قم، که تصور خوبی نبود، عوض شد. اگر یک طلبه‌ای برود و فقط تقریرات بنویسد، اتفاقی نمی‌افتد و این نوشتن چیزی را نشان نمی‌دهد؛ اما ایشان در نجف وارد بحث با اعلام و بزرگان شده بود.

نمونه دیگری از این سنخ تقریرات مبحث قاعدة «لا ضرر» است که تقریر درس مرحوم آیت‌الله خویی است. خیلی جالب است که ایشان اول قاعدة لا ضرر را براساس مباحث آقای خویی تقریر و

سپس، بندگان آن را بررسی می‌کند و سرانجام، درباره آن می‌گوید: «التزم دام ظلّه بصحة الوضوء و الغسل الضررین بما ذکر من الوجه». یعنی اگر استعمال آب برای او ضرر دارد و با این حال وضو بگیرد یا غسل کند، وضو و غسل او صحیح است و وجه و دلیل آن را نیز بیان فرموده است. آقا موسی صدر در اشکال به این نظر، نوشته است: «و يمكن الإستدلال ببطالان الغسل و الوضوء بروایات». سپس، روایاتی را نقل می‌کند که براساس آن نمی‌توان چنین نظری را پذیرفت و در ادامه، اشکالات دیگری را یکی پس از دیگری بر نظر مرحوم خویی وارد می‌کند. باز کمی جلوتر ادامه می‌دهد: «ما ذكره دام ظلّه من أن الموضوع في أدلة ثبوت التيمم هو الخوف فماعترت عليه في أخبار التيمم و الوضوء و الغسل». یعنی مطلبی که آقای خویی درباره تيمم فرموده است، درست نیست و مخالف ظاهر روایات است.

در بحث دیگری نیز به آگاه آقای خویی اشکال دارد: «ما التزم به دام ظلّه من عدم تعلق الأمر بالإستحياء بالوضوء و الوضوء بالترتب، فيه». موضوع این است که آیا امر استحبابی می‌تواند به خود وضو تعلق بگیرد یا نه؟ خدای تعالی، نظر آقای خویی را نقل می‌کند و بعد اشکال خود بر ایشان را می‌نویسد. در همه این موارد بعد و نه سر خود را در کمال احترام به استاد و دعا برای طول عمر او بیان کرده است.

گاه ایشان به نقد کتبی در تقریرات است نکرده و در تقریرات آورده که چه اشکالی را در درس مطرح کرده و استاد چه جوابی داده است. بعد در این ادامه می‌دهد که جواب استاد در درس هم جای مناقشه دارد: «و قد بينت الإشكال عليه دام ظلّه و قد جاب... وفيه....»

نظریات امام موسی صدر

۱. نگاه کلی ایشان به فقه

باید دانست که امام موسی صدر براساس نظام فقهی و در آن چارچوب اظهار نظر می‌کرده است. به عنوان مثال، ایشان بحثی را تحت عنوان نظام حلال و حرام مطرح و همان‌جا تأکید کرده است که ما به منزله مسلمان باید در نظام حلال و حرام زیست بکنیم. باید توجه داشت که نظام حلال و حرام، غیر از نظام مفسده و مصلحت و یا نظام فایده و ضرر است. محور آن دو نظام، انسان است که کشف می‌کند چه چیزی به نفع و چه چیزی به ضرر اوست و چه چیزی مصلحت او را تأمین می‌کند و چه چیزی مایه فساد برای او می‌شود. اما محور نظام حلال و حرام، تشریع الهی و خواست خداوند است. البته، تشریع، بدون ملاک نیست. بنابراین، قهراً مصلحت انسان در تشریع و نظام حلال و حرام هم تأمین می‌شود. ولی کسی که رفتار خود را در این نظام قرار می‌دهد، فراتر از مصلحت دنیوی، به کمالات دیگری نیز دست می‌یابد.

تعبیر ایشان درباره نظام حلال و حرام این است:

نظام حلال و حرام این است که در هر چیزی حلال و حرام هست؛ بدین معنا که انسان برای کارهایی که قصد انجام دادنشان را دارد، نباید فقط به میل یا بی میلی خودش توجه کند. برای انسان ملتزم میل به انجام دادن کاری نمی تواند تنها عامل ممارست آن باشد؛ بلکه باید در آن عمل، در کنار میل، به رضایت خداوند نیز توجه کند. اگر انسان بداند که خداوند از آن عمل راضی است، آن را انجام دهد و در غیر این صورت، نخیر. یعنی انسان با پذیرفتن زمینی بودن خویش، به بُعد آسمانی اش نیز توجه داشته باشد.

مقدود این است که باید نگاهمان به آسمان باشد و کشف کنیم که خدا چه می گوید و از ما چه می خواهد، تا اینکه نگاهمان به زمین و خود و مصلحت و فایده باشد و به هر چه خود تشخیص می دهیم، عمل کنیم. در ادامه می گوید:

کسی که بر هر چیز فلسفه می چیند و مثلاً اگر به او بگویی شراب حرام است، می گوید من نمی دانم حرام چیست، اما می دانم که شراب ضرر دارد و به همین علت از آن کنار گیری می کنم؛ چنین شخصیتی، بدون شک، از این بابت که از مفاسد آن به دور شده است، مانند کسی است که برای اطاعت فرمان خدا شراب نمی نوشد. اما به شخصیتی که از شراب به علت منع کردن عقلش کناره می گیرد، از کمالی که نتیجه نظام حلال و حرام است، محروم می ماند.^(۱)

پس از این بیان، توضیح می دهد که کمال موجود در نظام حلال و حرام، تنها با تشریع الهی برای انسان تأمین می شود.

امام موسی صدر در این مبنای فقهی، از یک سو، از اشاعه فاصله می گیرد که اساساً به فلسفه احکام و ملاکات آن اعتنایی ندارند و یکسره بر ظاهر احکام حرام می ریزند و از سوی دیگر، از برخی روشنفکران فاصله می گیرد که به دلیل آگاهی از برخی مصالح و مصلحت احکام، همه احکام را بر فلسفه های مادی تطبیق و دین را در راهنمایی دنیوی انسان، محدود می کنند.

۲. نظریات و آرا

امام موسی صدر وقتی به لبنان رفت، دریافت که فضای لبنان با فضای قم و نجف و دیگر کشورهای اسلامی متفاوت است. بعضی گمان می کنند که آرای ایشان در برخی مسائل به سبب تغییر است که نتیجه حضور ایشان در لبنان است. نمی توان تأثیر فضای اجتماعی و فکری را در فهم دینی انکار

۱. گام به گام به امام، به اهتمام یعقوب ضاهر، ج ۱۰، ص ۷۲-۷۴.

کرد، ولی این تأثیرگذاری برای فرد صاحب نظر و صاحب مینا، به معنی تبعیت از اوضاع اجتماعی و رها کردن موازین اسلامی نیست؛ بلکه به معنای حفظ موازین، و در عین حال، پیرایش دین از تفسیرهای نابجا و افزوده‌های ناصواب است. از باب نمونه به دو مورد از این مسائل اشاره می‌کنم.

۱. مسئله حجاب این روزها خیلی محل سؤال و توجه قرار گرفته است. ایشان درباره این مسئله می‌گویند:

در حجاب شرعی، چنان‌که قرآن کریم بر آن تصریح کرده، سخت‌گیری و زیاده‌روی رخ نداده و از زن نمی‌خواهد که چشمش را ببندد. قرآن از زنان خواسته است که مواضع زینت خود یعنی مو و گردن و سینه را آشکار نکنند و آشکار کردن صورت اشکالی ندارد.^(۱)

تفسیر ایشان از حجاب، همان تفسیر علمای شیعه از گذشته تاکنون است که زینت یعنی مو و گردن و بدن باید پوشیده شود؛ اما آشکار کردن صورت اشکالی ندارد. این برداشت هم با نظر به آیات شریفه است. این‌ها برپا، روشن، ارست و هرگز از فتوای فقهای امامیه عدول نکرده و حتی به دلیل بی‌بندوباری بسیاری از مسلمانان از بیان آن هم طفره نرفته است. در عین حال، آقای صدر در این اظهار نظر و نیز دیدگاه‌های دیگر، مردم را، به‌خصوص در آن محیط، در سختی و مشقت احتیاط‌های رساله‌های عملیه، قرار می‌دهد. در آن دوره، فقها حاضر به صدور فتوای صریح مبنی بر جواز آشکار بودن صورت زنان نبودند، و غالباً احتیاط می‌کردند. اما او این‌گونه احتیاطات را برای مردم نادیده می‌گیرد.

۲. مسئله دیگر نظر ایشان درباره زندان است. از ایشان سؤال کرده‌اند که نظر شما درباره مجازات‌ها چیست. پاسخ ایشان این است: «اسلام، مجازات زندان را به هیچ وجه به رسمیت نمی‌شناسد.» ایشان در همان‌جا از حکم قصاص به صراحت دفاع می‌کنند.^(۲)

البته، درباره این جمله باید تأمل کرد که آیا مقصود این است که مجازات زندان، از جمله مجازات‌های منصوص (حدود) نیست. در این صورت، این نظریه همان نظریه مذهب و فقه است؛ یا مقصود این است که حاکم اسلامی با توجه به عوارض و پیامدهای زندان همچون آسیب خانواده نمی‌تواند این حکم را به عنوان تعزیر، مگر در موارد خاص و ضروری، مقرر کند. براساس مبنای اول، حاکم نباید از مجازات‌های منصوص مثل حدود و یا تعزیر با شلاق زدن فراتر رود، که انتساب چنین نظریه‌ای به امام موسی صدر بعید می‌نماید. اگر مجموعه این نظریات تدوین و جمع‌آوری شود، می‌تواند مؤثر و مفید باشد. این دیدگاه‌ها درخور بررسی و تحقیق هستند.

۱. گام به گام با امام، ج ۲، ص ۶۷.

۲. الإمام السید موسی الصدر، قولوا لا اله الا الله تفلحوا، ص ۹۵.